

بررسی برجسته سازی در مجموعه شعر «زمستان بلا تکلیف ما» از محمدعلی سپانلو با تکیه بر نظریه
لیچ، زبان شناس انگلیسی

۱- مهسا بهروز ۲- لیا کریمی ۳- دکتر سولماز مظفری

۱- دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز

۲- دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز

۳- استاد و دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر شیراز

mahsabehrooz99@gmail.com

Laya.Karimi.14@gmail.com

S_mozafari8673@yahoo.com

چکیده

سپانلو به عنوان یکی از شاعران معاصر ایران، سهم بسزایی در آشنایی مردم جهان با ادبیات ایران دارد. اشعار ایشان بازتاب مسائل اجتماعی، دردها و مسائل دنیای صنعتی امروز است؛ به نظر می رسد اشعار وی را از جنبه های مختلف می توان مورد بررسی و نقد قرار داد.

برجسته سازی یکی از فرم های خوانش در متون ادبی است. در واقع برجسته سازی به معنای کاربرد زبان به صورت غیر متعارف است که سبب جلب توجه خواننده شود. نظریه برجسته سازی بر اساس نظر صاحب نظران به دو نوع هنجار گریزی و قاعده افزایی تقسیم بندی می شود. یکی از شاعرانی که به نظر می رسد به قصد برجسته سازی کلام خود از هنجار گریزی بهره برده، محمد علی سپانلو است. در این مقاله تحلیلی-توصیفی پژوهشگران تلاش کرده اند با تکیه بر نظریه برجسته سازی لیچ، زبان شناس انگلیسی، به بررسی مجموعه شعر «زمستان بلا تکلیف ما» از محمد علی سپانلو بپردازند. بنابر پژوهش انجام شده، بیشترین شواهد و نمونه ها در هنجارگریزی واژگانی مشاهده شد که به واژگان رایج اختصاص داشت و کمترین مصادیق در هنجارگریزی گویشی مشاهده گردید که تنها در یک نمونه مشهود بود.

کلید واژه ها:

برجسته سازی کلامی، هنجارگریزی، نظریه هنجارگریزی لیچ، مجموعه شعر زمستان بلا تکلیف ما، محمد علی سپانلو

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱- مقدمه

در حیطه ادبیات، آثار فاخر شاعران بزرگ را می توان از جنبه های گوناگون زیبایی شناختی بررسی کرد. برجسته سازی هنری است که منجر به زیبایی زبان ادبی شعر و هنری شدن آن می گردد.

زبان شناسان روس و چک در به کارگیری زبان معتقد به دو نظام زبانی جدا از یکدیگر بودند:

نظام خودکاری و نظام برجسته سازی . نظام خودکاری زبان در اصل به کارگیری عناصر زبان است به گونه ای که به قصد بیان موضوعی به کار رود، بدون آن که شیوه بیان جلب نظر کند، ولی برجسته سازی به کارگیری عناصر زبان است به گونه ای که شیوه بیان جلب توجه کند، غیر متعارف باشد و در مقابل خودکاری زبان، غیر خودکاری باشد. برخی از این نکته های غیر متعارف و برجسته چنان موثر واقع می شود که در خواننده انفعال عاطفی ایجاد می کند و موجب برانگیختن احساس و اندیشه خواننده می شود و هیجان حاصل از آن خواننده را به اوج لذت می رساند. (صهبا، ۱۳۸۴: ۱۴۹)

مکاریک (۱۳۸۳) بیان کرده است، برجسته سازی « نشانگر کاربرد نامتعارف یک رسانه و خودنمایی آن در مقابل پس زمینه ای از پاسخ های خودکار است و این وجه مشخصه بخش عمده ای از اشکال بیان هنری، اگر نه تمامی آنهاست...» (مظفری، ۱۳۹۹: ۵۵) از سوی دیگر در تعریف برجسته سازی آمده: « برجسته سازی پلی میان عینیت نسبی توصیف زبان شناختی و ذهنیت نسبی داوری ادبی برقرار می کند.». در واقع برجسته سازی فرآیندی است که صورت گرایان روس مطرح کردند و آن را از عوامل به وجود آورنده زبان ادبی خواندند. به بیانی دیگر هر نوع انحراف از فرم خودکار زبان و ایجاد دگرگونی در ساختار کلامی، به نحوی که زیبایی را در سخن رقم بزند، برجسته سازی نامیده می شود. باید به این نکته توجه کرد که برجسته سازی ها اگر حالت تقلید و تکراری به خود بگیرند یا مانع ارتباط گوینده و خواننده شود، نقش اساسی خود یعنی خلاقیت ادبی را از دست می دهد؛ بنابراین در برجسته سازی باید شاعر دو اصل مهم جمال شناسی و رسانگی زبان را که دو اصل اساسی در هر کاربرد زبانی است، در نظر داشته باشد. (همان: ۵۶)

موکاروفسکی یکی از نظریه پردازان مکتب پراگ می گوید: « برجسته سازی در زبان شاعرانه تا آن حد به درجه اعلا می رسد که عمل ارتباط را در پس زمینه قرار می دهد.». (صهبا، ۱۳۸۴: ۱۴۹)

لیچ زبان شناس انگلیسی معتقد است برجسته سازی به دو شکل تحقق می یابد:

(۱) نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار، انحراف صورت پذیرد. (هنجار گریزی)

(۲) قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار، افزوده شود. (هنجار افزایی)

لیچ هشت گونه هنجار گریزی را از یکدیگر باز شناخت که به قرار زیر است :

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

هنجارگریزی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی. (همان: ۱۵۰)

شفیعی کدکنی هنگام بحث دربارهٔ برجسته سازی اشاره می کند که انواع برجسته سازی را می توان در دو گروه موسیقایی و زبانی تبیین کرد. وی گروه موسیقایی را مجموعه عواملی می داند که عواملی چون وزن، قافیه، ردیف و هماهنگی های آوایی را به دست می دهد. به اعتقاد کدکنی گروه زبانی، مجموعه عواملی است که به اعتبار تمایز نفس واژگان در نظام جمالت می تواند موجب برجسته سازی شود. او در این مورد عواملی چون استعاره، مجاز، ایجاز و جز آن را بر می شمارد. (نصیری افرا پلی، ۱۳۹۶: ۲) در برجسته سازی نکته دیگری که مشهود است، به کارگیری عنصر تخیل یک خالق است که به زبان شعری تازگی می بخشد. تخیل در زبان ادبی، هم در شکل و هم در محتوای اثر تأثیر می گذارد. ساخت یک شکل نو در اثر ادبی همان قدر اهمیت دارد که محتوای نو؛ چون تخیل خاص فرد است و ویژگی های شخصی را که تخیل کرده است، در خود دارد و به زبان ادبی فردیت می بخشد. (مظفری، ۱۳۹۹: ۵۸) پژوهشگران در این نوشتار تلاش کرده اند ابتدا در مورد برجسته سازی و انواع آن که شامل هنجارگریزی و قاعده افزایی می شود، توضیح دهند، سپس در یک بخش جداگانه به شرح درباره شاعر و آثار ایشان پرداخته اند. بخش بحث و بررسی نیز به تحلیل و آوردن مصداق در موارد زیر اختصاص داده شده است:

ترکیبات نو و بدیع، واژگان غیر ساده، واژگان رایج، کلمات کهن، کلمات تلمیحی، تشبیه، استعاره، تشخیص، پارادوکس و واژگان محاوره ای. جامعه آماری در این مقاله بر اساس مجموعه شعر «زمستان بلا تکلیف ما» از انتشارات چشمه در سال ۱۳۹۳ است.

۱-۱- پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی های انجام شده، گفتنی است پژوهش در زمینه بررسی برجسته سازی در آثار محمد علی سپانلو صورت نگرفته است و پژوهش حاضر در زمینه یافتن نمونه های برجسته سازی در مجموعه شعر «زمستان بلا تکلیف ما» موضوعی نوین به نظر می رسد. برخی منابع در این راستا، مقالاتی هستند که برخی به عنوان منبع این پژوهش هم قرار گرفته اند.

مقاله زهرا تقوی فردود و محمد زیار (۲۰۱۸) با عنوان خوانایی فضا: رویکرد جغرافیایی در شعر گیوم آپولینر و محمد علی سپانلو، بر اساس رویکردی جدید به بررسی فضا- زمان، قلمرو زدایی و ارجاعیت پرداخته است. همچنین سعی شده با تکیه بر این رویکرد، مسئله فضایی-زمانی بررسی شود و تجدد گرایی و سنت گرایی در شعر این دو شاعر مورد بررسی قرار گیرد. محمد رحیم احمدی (۱۳۹۲) در مقاله پرسش انگیزی ترجمه شعرانه؛ مورد بررسی: ترجمه کشتی مست اثر آرتور رمبو توسط محمد علی سپانلو: پس از بررسی مسائل نظری مربوط به ترجمه شعر، به تحلیل فنون ترجمه ای سپانلو در برگرداندن شعر کشتی مستور و تغییرات صورت گرفته در آن پرداخته شده است. ژاله کهنمویی پور و بهناز خواجوی (۱۳۹۸) در مقاله بازنمایی فضا و هویت شهری در شعر سپانلو بر اساس رویکرد نقد جغرافیایی با تکیه بر نگاهی به پاره ای از شعر های سپانلو به عنوان شاعری مدرن و توانا، او و چگونگی نگاه وی به شهر تهران پرداخته اند. فرهاد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

عابدینی (۱۳۸۸) در مقاله با بوی کهنه و عطر آگین کوچه ها (تحلیل شعر «اشراق» سروده ی محمد علی سپانلو) و محمود معتمدی، (۱۳۸۲) در مقاله بازخوانی شعر « فاکس » از محمد علی سپانلو نیز از زوایای دیگر به سروده های سپانلو نگاه کرده اند.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- معرفی سپانلو و جایگاه ادبی وی

«محمد علی سپانلو» شاعر، روزنامه‌نگار، منتقد ادبی و مترجم ایرانی، زاده ۲۹ آبان ۱۳۱۹ است که علاوه بر شعر و ترجمه و تالیف، در زمینه ی نقد ادبی و همچنین سینما فعال بود و حتی در اثرهای سینمایی بی نظیری همچون: رخساره، ستارخان، آرامش در حضور دیگران و ... به ایفای نقش پرداخت. پدر سپانلو کارمند بانک ملی بود. او با داستان‌ها و شعرهایی که پدر از شاهنامه و سعدی و نظامی می‌گفت، بزرگ شد. سپانلو به واسطه آموزش‌های پدر، خط خوبی داشت و در مدرسه از کلاس های انشا لذت می برد. (شمس، ۱۳۹۱) در سال ۱۳۳۵ در مسابقه‌ای که در رشته ادبیات بین تمام مدارس کشور برگزار شد، مقام اول را کسب کرد و از دست محمدرضا پهلوی یک دیوان حافظ به عنوان جایزه دریافت نمود. پس از کلاس دهم به مدرسه دارالفنون رفت. سپانلو در همین سال ها در مسابقه داستان‌نویسی مجله سخن شرکت کرد و داستانش به نام دشت پندار در آن مجله چاپ شد.

سپانلو هنوز در دارالفنون مشغول تحصیل بود که داستانی تاریخی به نام «نیزه پاریسی» را تحت تأثیر نوشت و با هزینه شخصی چاپ و منتشر نمود اما موفقیتی حاصل نکرد. سپانلو هیچ‌گاه این کتاب را در کارنامه و کتاب‌های رسمی خویش ثبت نمود. او از جمله نخستین اعضای کانون نویسندگان ایران بود و نزدیک به ۵۰ جلد کتاب در زمینه‌های مختلف شعر و داستان و تحقیق، تالیف یا ترجمه، از او منتشر شده است. وی همچنین از جمله هنرمندانی بود که موفق به دریافت نشان شوالیه ی فرهنگ ادب و فرانسه و جایزه ماکس ژاکوب (بزرگ‌ترین جایزه ی شعر فرانسه) شد.

در بیست سال گذشته، سپانلو به عنوان یکی از چند نماینده معدود ادبیات معاصر فارسی در بسیاری از گردهمایی‌های بین‌المللی در اروپا و آمریکا شرکت کرده و گفته می‌شود که سهم بزرگی در معرفی ادبیات ایران به جهانیان دارد. بسیاری از آثار وی تا به حال به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، هلندی، عربی، و سوئدی ترجمه شده‌است. کتاب « نویسندگان پیشرو ایران » که گلچینی از آثار داستانی نویسندگان قرن بیستم ایران، به همراه بررسی آنهاست، جزو منابع درسی در بسیاری از دانشگاه‌های ایران می باشد و تا به حال فروش بسیار بالایی داشته‌است. سپانلو شعرهای خود را در قالب نو و سپید و در وزن نیمایی می سرود و در آن ها به مسائل اجتماعی و دردهای انسان و جامعه و تمدن صنعتی امروز می پرداخت. محمد علی سپانلو زبانی مستقل داشت و از واژه هایی ثقیل و حتی مبهم برای بیان بهتر مفهوم خود در شعر استفاده می کرد. در شعرهای او می توان تلاقی نگاه سنتی با مدرن را به عنوان ابزاری در راستای نمایش هرچه بهتر مشکل های جهان امروز شاهد بود. علاوه بر این او در زمره ی شاعرانی بود که آگاهی و سیطره ی بسیاری بر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

اسطوره و افسانه های ادبیات فارسی داشت و آن را در خلق اثرهای خود به کار می برد. شاید به همین دلیل است که بسیاری افراد، سپانلو را حافظه ی شفاهی شعر امروز ایران می خواندند. یکی از لقب های سپانلو، شاعر تهران است. تهران یکی از اصلی ترین عنصرهای شعراوست که در بسیاری از اثرهایش می توان ردپایی از آن یافت. این اسطوره سازی را می توان بیش از همه در سه اثر «خانم زمان»، «هیكل تاریک» و «قایق سواری در تهران» شاهد بود. وی در یکی از آخرین مصاحبه های می گوید: «تهران برای من مهم است چون تلاقی فرهنگ ها و اقشار مختلف اجتماعی ایران است و به نوعی همه ی اقوام مختلف ایران از تهران خاطره دارند.» کتاب «هزار و یک شعر» سپانلو مجموعه یی از نمونه سروده های شاعران ایران در چهار بخش «شعر تجدد»، «شعر نو»، «شعر امروز» و «شعر معاصر» است که با استقبال بسیار خوبی روبرو شد. «سیمین بهبهانی» نیز در ستایش این اثر گفت: «در این گزارش گنجینه ای فراهم آورده که نمونه های شعر فارسی را در دسترس جویندگان نوپای شعر می گذارد و هم کار پژوهندگان و ناقدان شعر فارسی را آسان می کند.» «چهار شاعر آزادی» که تأملی است در زندگی و آثار شاعران: عارف، میرزاده عشقی، فرخی یزدی و ملک الشعرا ی بهار از میل و اراده سپانلو به آزادی در دوران مشروطه تا شهریور ۱۳۲۰ اشاره دارد. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۷۲ در سوئد منتشر شد. سپانلو شاعری نبود که تنها در عالم شعر قدم بزند و با روزنامه نگاری و سیاست هم سر و کار داشت.

سپانلو شهرتش را بیشتر مدیون مجموعه شعرهایش است، اما به عنوان مترجم فعال بود. وی آثار زیر را به فارسی ترجمه کرد: عادل ها، نوشته آبر کامو (۱۳۴۰) / آن ها به اسبها شلیک می کنند، نوشته هوراس مک کوی، نشر نو (۱۳۶۲) / مقلدها، نوشته گراهام گرین / در محاصره، نوشته آبر کامو / شهردندان، نوشته آبر کامو، انتشارات تیراژه (۱۳۷۲) / افسانه سیزیف، نوشته آبر کامو با همکاری علی صدوقی / کودکی یک رئیس، نوشته ژان پل سارتر / گیوم آپولینر در آینه آثارش، اشعار و زندگینامه گیوم آپولینر نشر چشمه (۱۳۷۲) / دهلیز و پلکان، اشعار یانیس ریتسوس، انتشارات ققنوس (۱۳۸۰). سپانلو در بیست و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ در اثر بیماری ریوی درگذشت. از مجموعه اشعار سپانلو می توان به آثار زیر اشاره کرد:

آه... بیابان (۱۳۴۲)، رگبار ها (۱۳۴۶)، پیاده رو ها (۱۳۴۷)، سندیاد غایب (۱۳۵۲)، هجوم (۱۳۵۶)، نبض وطنم را می گیرم (۱۳۵۷)، خانم زمان، انتشارات تیراژه (۱۳۶۶)، ساعت امید (۱۳۶۸)، خیابان ها، بیابان ها، انتشارات شیوا (۱۳۷۱)، فیروزه در غبار، نشر علم (۱۳۷۷)، پاییز در بزرگراه (۱۳۷۹)، ژالیزینا (۱۳۸۱)، تبعید در وطن، انتشارات ققنوس (۱۳۸۱)، قایق سواری در تهران انتشارات افق (۱۳۸۸)، زمستان بلا تکلیف ما، نشر چشمه (۱۳۹۳)

۲-۲- معرفی مجموعه شعر « زمستان بلا تکلیف ما »

«زمستان بلا تکلیف ما» عنوان آخرین مجموعه شعر محمد علی سپانلو است. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۹۳ توسط نشر چشمه، در قالب ۹۵ صفحه، به چاپ رسید. در این مجموعه شعر با ۴۰ مورد از اشعار سپانلو مواجه هستیم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

که در زمان های مختلف از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ سروده شده اند. به گفته خود سپانلو شعر های این کتاب بازگو کننده حالات شخصی شاعر در زمان بیماری است؛ بنابراین هر شعر تمثیلی است که می تواند حکایت شخص و انسان نیز باشد.

۲-۳- بررسی برجسته سازی و انواع آن در مجموعه شعر « زمستان بلا تکلیف ما »

آشنایی زدایی یعنی حرف های تکراری دیگران را در ساخت و صورتی نو عرضه کردن و با فعال کردن «هنر سازه» های مرده چیز هایی را که بسیار تکراری و آشنا و بی رمق هستند به گونه ای درآوردن که خواننده احساس غرابت و تازگی کند و نظرش امری بدیع و نو جلوه گر شود. (کدکنی، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

پدیده برجسته سازی که اساس ایجاد سبک و تمایز بیان تولیدکنندگان ادبیات است با دو ویژگی قاعده افزایی و هنجار گریزی در زبان متن اتفاق می افتد. (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۶۰)

گریز از هنجار ها در شعر با اعمال تغییراتی در طبیعت زبان یا بر روند کاربردی آن رخ می دهد؛ لیچ زبان شناس انگلیسی معتقد است برجسته سازی به دو شکل تحقق می یابد:

۱) نسبت به قواعد حاکم بر زبان خودکار، انحراف صورت پذیرد. (هنجار گریزی)

۲) قواعدی بر قواعد حاکم بر زبان خودکار، افزوده شود. (هنجار افزایی)

لیچ فرایند هنجار گریزی در متن را به هشت بخش تقسیم می کند:

۱- واژگانی: ساخت واژگان تازه با گریز از شیوه های رایج زبان .

۲- نحوی: گریز از قواعد حاکم بر نحو زبان، جابه جا کردن سازه های تشکیل دهنده، برهم زدن آرایش قواعد زبان هنجار به منظور برجسته سازی زبان .

۳- زمانی: به کار بردن سازه هایی که در زبان خودکار رایج نیستند و در واقع به انواع باستان گرایی در زبان اعم از کاربرد واژگان مرده، کم کاربرد، مخفف ها و... است.

۴- سبکی: عدول از نظام حاکم بر نوشتار با کاربرد واژه های محاوره ای عامیانه و برخی اصطلاحات روزمره .

۵- گویشی: به کار بردن واژگان یا نحو گویش محلی شاعر و زیست بوم او در شعر که در زبان معیار وجود ندارد.

۶- نوشتاری: در مصراع بندی شعر نو کاربرد دارد، به گونه ای که شاعر برای برجسته سازی به صورت بصری زمینه سازی کند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۷- **آوایی**: سرپچی شاعر از قواعد آوایی زبان و استفاده از صورت های آوایی که در زبان روزمره معمول نباشد. ادغام، قلب، تشدید، تخویف، تسکین و... از موارد این نوع هنجار گریزی است البته به شرط آنکه در جهت حفظ جلوه های موسیقایی شعر به کار گرفته شوند.

۸- **معنایی**: همنشینی واژه ها بر خلاف قواعد معنایی حاکم بر زبان معیار و تبعیت نحو شعر از قواعد خاص دنیای ذهنی شاعر و نیز شکل و شیوه ساخت و استفاده از تصاویر شعری بر این نوع هنجارگریزی تاثیر دارد. (حسن زاده، ۱۳۹۴: صص ۶۱-۶۰)

در این مقاله پژوهشگران تنها به بررسی هنجار گریزی واژگانی، معنایی و گویشی در مجموعه شعر « زمستان بلا تکلیف ما » پرداخته اند:

۲-۳-۱: هنجار گریزی واژگانی :

محدوده واژگان زنده و کاربردی زبان گاه برای بیان مفهوم ذهنی شاعر یا تولید محتوای جدید ناکارآمد و اندک است، از این رو شاعر با ساخت واژگان، ترکیبات، استفاده از کلمات مرده زبان و به روز رسانی آنها در متن، به کار بردن تلفظ های قدیمی واژگان و... به نوآوری و آشنایی زدایی در این زمینه می پردازد. (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۶۷)

در مجموعه شعر « زمستان بلا تکلیف ما » در بخش هنجار گریزی واژگانی، پژوهشگران ترکیبات نو و بدیع، واژگان غیر ساده، واژگان رایج، کلمات کهن و کلمات تلمیحی را مورد بررسی قرار داده اند:

الف) ترکیبات نو و بدیع :

واژه های ابداعی بر واژگانی اطلاق می شوند که ساخته و پرداخته ذهن خود شاعر است. سپانلو در اشعار خود از این ترکیبات نو و ابداعی نهایت بهره را می برد و با استفاده از آن ها توجه مخاطب را به اشعار خود جلب می نماید.

«ترکیب ها از سازه های زبانی هستند که به گونه های مختلف در زبان رواج دارند و سخن سرایان توانمند گذشته، همواره با آمیزش واژه ها و ساختن ترکیب های گوناگون به توسع زبانی و خلق معانی تازه دست زده اند. آفرینش ترکیب های تازه، به نو شدن زبان شعر کمک می کند و اغلب در ایجاز سخن کارساز است.» (مظفری، ۱۳۹۹: ۶۰)

از جمله ترکیب های ابداعی و نو در اشعار سپانلو، می توان به «بولوار های ابری» اشاره کرد که شاعر صفت « ابری » را برای بولوارها آورده است. علاوه بر ابداعی بودن ترکیب، شاعر با کاربرد هم صدایی «ر» و «ب»، نغمه حروف هم ایجاد کرده است.

روشن شد بولوار های ابری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

باغچه ی زندان، تقویم پارسال

سوغ تازی، جشن گیری (همان: ۱۴)

یا در نمونه دیگر با آوردن صفت «ملایم» برای ساعت، ترکیب «ساعت ملایم بعد از ظهر» را ساخته است و از سوی دیگر برای اندیمشک، مضاف الیه رویاها آورده که تداعی روز های پر از رویای مردم اندیمشک در روز های جنگ است.

در ساعت ملایم بعد از ظهر

بازاری در گوتمبرگ

گلاویزی در سلیمانیه

اندیمشک رویاها (همان : ۴)

در ترکیب دیگر «بندر مقوایی» در شعر دیگر با آوردن صفت نسبی مقوایی برای بندر، قوه تخیل شاعر را در ساخت ترکیب ها می توان مشاهده کرد.

در بندر مقوایی، ساخت کتاب های خمیر شده

یک عمر کشف رمز کردی از دست خط رگبار (همان : ۶)

و دیگر نمونه ها :

برف نوین(ص ۲) // بوی گل یخ(ص ۲) // تندیس تصادف(ص ۲) // باغ کریستال(ص ۲) // امپراطوری تابستان(ص ۳) // تندیس بلور(ص ۲) // معشوقه طلایی(ص ۴) // بارش بی حواس(ص ۶) // خطبه سیاه(ص ۶) // کلاف رویا(ص ۷) // هوای کدر(ص ۹) // گل تبریک(ص ۹) // خنده ترغیب(ص ۱۱) // خانه ای کدر(ص ۱۱) // جمعه های فوت شده(ص ۱۱) // نوشابه ی کبود(ص ۱۱) // جرعه خشک(ص ۱۲) // لقمه دور ریخته(ص ۱۲) // غنچه های سراب(ص ۱۴) // ساز اضطراب نوازی(ص ۱۶) // گلبرگ روشن(ص ۱۶) // مرز احتضار(ص ۱۶) // واژه های نورانی (ص ۱۹) // پرانتز بلاتکلیف(ص ۲۰) // چشم میرنده(ص ۲۴) // ظلمت پیر(ص ۲۷) // خورشید ریش آبی(ص ۲۸) // بیداری تلخ بین(ص ۳۴) // گلوی قرضی(ص ۳۷) // روز های مرده(ص ۴۲) // سرعت سرگیجه(ص ۵۴) // زمستان بلاتکلیف(ص ۵۶)

(ب) کاربرد واژگان غیر ساده :

شاعران گاهی کلمات غیر ساده ای را در سروده های خود به کار می برند که ناآشنا باشد و همین سبب جلب توجه و جذب خواننده به متن می شود. اغلب اوقات این واژگان مرکب ساخته و پرداخته ذهن خود شاعر است.

سپانلو در سروده زیر، واژه غیر ساده «فریناک» را آورده است:

و در هوای کدر، فریبنک نیست نمایش دکور ها را باور

کنیم؟ (سپانلو، ۱۳۹۳: ۹)

یا در نمونه های دیگر بیانوبار (ص ۲۳) و تلخابه (ص ۳۷) را در سروده های خود ذکر کرده است.

ج) کاربرد واژگان رایج:

شاعران امروز با به کارگیری واژه هایی که تا پیش از دوره معاصر اجازه ورود به ساحت شعر را نداشتند و نیز با استفاده از واژه های تازه ای که در زبان روزمره امروز به کار می رود، در کنار واژه های گذشته، به گسترش و توسعه زبان شعر کمک می کنند. «(نصیری افرایل، ۱۳۹۶: ۱۴) سپانلو نیز در مجموعه شعر زمستان بلاتکلیف ما به وفور از این دسته واژگان استفاده نموده است.

از جمله این مصادیق می توان به «کالا برگ» در شعر زیر اشاره کرد که پیش از این حتی در سروده های سبک هندی با وجود کاربرد مضامین بسیار، دیده نمی شود. کاربرد این واژه که در جامعه زمان شاعر کارایی داشته، نشان از هنجار گریزی دارد.

اغلب کلاف رویا را می بافیم

افسردگان که در صف کالا برگ اشعار می نویسند. (سپانلو، ۱۳۹۳: ۷)

یا در شعر زیر «قماربازان» را به کار می برد که در ادبیات سنتی واژه معادل آن «مقامران» کاربرد داشته است.

به مقصد سفر، زیارت آخر

قماربازان، از امتداد رودخانه گذشتیم (همان: ۹)

کاربرد «شلوار جین» هم، نمونه دیگری از کاربرد واژگان رایج روزگار شاعر است.

با پاهای کشیده در شلوار جین، رنگ پریده؟ (همان: ۲۴)

یا به کار بردن ساز «گیتار» در شعر زیر. پیش از این اگر نام سازها آورده می شد، برگرفته از سازهای رایج زمان شاعر بود، به عنوان نمونه آوردن نام سازهای بربط و... در سبک خراسانی که شاعران درباری درباره آن زمان در شعر خود می آوردند.

در انتهای فهرست

گیتار یا جنازه فرعون؟ (همان: ۱۶)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و دیگر نمونه ها:

تکثیر عکس های دیجیتالی (ص ۴) // ترانه (ص ۴) // اسکله (ص ۴) // سیم ها و مقتول ها (ص ۶) // ایمن (ص ۶) // صندوق پست (ص ۶) // پست (ص ۶) // مومیایی (ص ۶) // کادوپیچ (ص ۶) // عروسک (ص ۶) // پیش قسط (ص ۶) // تلفن (ص ۶) // سیم ها (ص ۶) // لانگ شات (ص ۹) // دکور ها (ص ۹) // نوشابه (ص ۱۱) // پستخانه (ص ۱۴) // آشنشانی (ص ۱۴) // قایق (ص ۱۴) // مقنعه (ص ۱۴) // اداره مهاجرت (ص ۱۴) // سردخانه (ص ۱۴) // برج میلاد (ص ۱۴) // شهر آورد (ص ۱۴) // علی و رجه (ص ۱۵) // گمرک چی (ص ۱۶) // ترک موتوری (ص ۲۱) // سنگ فرش (ص ۲۴) // نمایش موزیکال (ص ۲۸) // تلویزیون (ص ۲۸) // بی مشتری (ص ۲۸) // شعار (ص ۲۹) // موسیقی (ص ۲۹) // صالح (ص ۲۹) // استخدام (ص ۳۱) // مجسمه (ص ۳۱) // شب نشینی (ص ۳۱) // ویولن (ص ۳۲) // آرشه (ص ۳۲) // پاگانینی (ص ۳۲) // گلیساندو (ص ۳۲) // کنسرتو (ص ۳۲) // گالری (ص ۳۵) // بورگز (ص ۳۵) // مدل نقاشی (ص ۳۵) // پناهنده (ص ۳۵) // مجسمه سرقتی (ص ۳۷) // کمانچه (ص ۳۶) // مارش پادگان (ص ۳۸) // الماس (ص ۳۸) // نارنجک (ص ۳۸) // ایستگاه (ص ۴۰) // زمین لرزه (ص ۴۰) // عینک (ص ۴۰) // قطار (ص ۴۰) // از میر (ص ۴۱) // اسکله (ص ۴۱) // حرفه (ص ۴۱) // پنگوئن (ص ۴۱) // چیق (ص ۴۲) // مشتری (ص ۴۲) // بی سیم (ص ۴۳) // قرص خواب (ص ۴۳) // رادیو (ص ۴۳) // تبعید (ص ۴۴) // بولگاری (ص ۴۴) // نیویورک (ص ۴۴) // جرثقیل (ص ۴۷) // وانت (ص ۴۷) // قاتل زنجیره ای (ص ۴۷) // بدمینتون (ص ۴۹) // فلکه (ص ۵۴) // خیابان (ص ۵۴) // شهر دار (ص ۵۴) // کمر بندی (ص ۵۵) // تندیس (ص ۵۵) // بالکن (ص ۵۷)

د) کاربرد کلمات کهن:

گاهی اوقات شاعران واژگانی کهن را در شعر به کار می برند و با این کار دست به برجسته سازی و ابداع می زنند. به این کار باستان گرایی یا آرکائیسیم می گویند. آرکائیسیم در واقع هنجارگریزی زمانی است. (نصیری افراپلی، ۱۳۹۶: ۱۶) سپانلو با به کارگیری کلمات کهن در کنار کلمات رایج، سبب جلب توجه خواننده می شود. گفتنی است این نوع در سروده های اخوان ثالث شواهد و مصادیق بسیاری را به خود اختصاص می دهد. سپانلو هم به یقین از استاد خود تاثیر پذیرفته است. از نمونه های این نوع می توان به خواهم خفت (ص ۲) // بساکی (ص ۳) // می (ص ۲۷) // ساغر (ص ۲۷) // سپید (ص ۲۷) // خامه (ص ۲۷) // بیاض (ص ۲۷) // زنج (ص ۲۸) // سکر (ص ۳۴) و بربط (ص ۵۲) اشاره کرد.

البته بسامد کاربرد واژگان کهن در مقایسه با واژگان رایج در شعر سپانلو اندک است.

ه) کاربرد کلمات تلمیحی:

تلمیح در لغت به معنای با گوشه چشم نگرستن و در اصطلاح بدیع اشاره به داستان، آیه، حدیث، افسانه، مثل و اصطلاحات علوم مختلف در کلام است. این آرایه ادبی دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب دارد. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۲۱) ارزش تلمیح به میزان تداعی بستگی دارد که از آن به دست می آید. هر قدر اسطوره ها و داستان های مورد اشاره لطیف تر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

باشد، تلمیح شیواتر محسوب می شود. لازمه بهره مندی از تلمیح، آگاهی از دانسته و دریافته ای است که شاعر یا نویسنده بدان اشاره می کند. تلمیح در شعر فارسی، می تواند با مراعات نظیر همراه باشد. (مظفری، ۱۳۹۹: ۶۳)

در مجموعه شعر « زمستان بلا تکلیف ما »، سپانلو از تعداد معدودی کلمات تلمیحی در شعر خود استفاده کرده است. همین اندک استفاده را می توان در دو دسته کلی تلمیحات ملی - میهنی و تلمیحات دینی - مذهبی طبقه بندی کرد. این اشارات و تلمیحات در درون خود به داستان ها، قصص و روایات بسیاری اشاره دارند.

در شعر زیر، تلمیحی به شبرنگ سیاوش و اسب زیگفرید شده است که هر دو به اسطوره مطرح ایرانی و غیر ایرانی اشاره دارد. عبور سیاوش از آتش یکی از داستان های مطرح در ادبیات میهنی است که بسیاری از سریندگان در کلام خود به آن اشاره دارند.

کدام سرود را بسرایم تا بیاید شبرنگ

اسب سیاوش یا زیگفرید

مرا از آتش اژدر بگذرانند و از میانه شب

بی لکه ای بر لباس سپیدم

با پروانه ی خنکاباد با جواز عبور از تب؟ (سپانلو، ۱۳۹۳: ۵۶)

از دیگر اشارات تلمیحی که با آوردن واژه ها، سپانلو از آنان بهره برده، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

هومر (ص ۷) / فرعون (ص ۱۶) / کاهن اعظم (ص ۱۶) / بیژن و منیژه (ص ۲۷) / لونا سپ (ص ۵۰) / آرتک (ص ۵۰) / رام (ص ۵۲) / ناهید (ص ۵۲)

۲-۳-۲-هنجار گریزی معنایی:

طبق نظریه لیچ، عناصر تخیل در شعر و مفاهیم و تصاویر ساخته شده به وسیله آنها، سبب هنجارگریزی های معنایی می شود. همنشینی واژه ها بر مبنای قواعد حاکم بر زبان معیار، محدودیت هایی دارد که مانع بیان روشن و کامل مفهوم ذهنی شاعر می شوند؛ بنابراین با استفاده از آرایه ها و صنایع ادبی در شعر به هنجار گریزی و برجسته سازی می پردازد. (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۶۴) پژوهشگران در مجموعه شعر « زمستان بلا تکلیف ما » در بخش هنجار گریزی معنایی، تشبیه، استعاره، تشخیص و پارادوکس را مورد بررسی قرار داده اند:

الف) تشبیه:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تشبیه از مهم ترین ابزار های تصویر سازی در شعر محسوب می شود و شاعران به کمک آن می توانند به یک پدیده که حاصل همنشینی واژه هاست، پردازند. تشبیه پس از استعاره، بیشترین نقش را در حوزه ی هنجارگریزی معنایی ایفا می کند. (صمصام، ۱۳۹۵: ۶۳) سپانلو با تصاویر سرشار از همانند سازی ها دست به خلاقیت می زند. گاه این تشبیهات چنان با خیال همراه می شوند که ذهن برای دریافت وجه شبه ابداعی آن دچار چالش می شود، مانند روسری های طناب دار (۴۷)

گاه نیز به تقلید از شاعران پیش از خود، تصاویر تشبیهی را می سازد، همان گونه که اخوان پاییز را اسب می خواند، سپانلو زمستان را اسب مقصور متصور می شود و صفت تاریک برای آن می آورد:

ای کاش بی درنگ بیاید و

بگذرد

اسب تاریک زمستان (سپانلو، ۱۳۹۳: ۵۶)

و نمونه ها و مصادیق دیگر:

گلبرگ ماننده خاکه قند فرو ریخت (ص ۱۶) // ابر پلک (ص ۳۲) // شاخه های انگشت (ص ۳۸) // مشروب عشق (ص ۴۴) //
تخت تابستان (ص ۴۶) // سنگ زمان (ص ۴۷) // تو فلکه ای دوردست، من خیابانی در دایره کمربندی (ص ۵۷)

تشبیهات اسنادی و غیر اسنادی بلیغ بیش از انواع دیگر مورد توجه سپانلو قرار گرفته است.

ب) استعاره:

از نظر عبدالقاهر جرجانی استعاره مثل این است که نام و عنوان اصلی را از شی جدا کرده ایم و به دور انداخته ایم و مثل این است که دیگر اسمی ندارد و نام دوم را شامل آن قرار داده ایم و تشبیه که قصد اصلی ما بوده، در دل نهان مانده ولی در ظاهر چنان است که گویی این همان چیزی است که در زبان این نام بر او نهاده شده است. (کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۰۹) می توان گفت که میزان استعاره های به کار رفته در شعر سپانلو اندک است و بیشترین نمونه ها به نوع استعاره مکنیه اختصاص دارد.

جان بخشی به اشیا نوعی استعاره مکنیه قلمداد می شود و در شعر زیر، شاعر زوزه کشیدن را برای قطار آورده و آن گرگی متصور شده است که زوزه سر داده است.

عجب قطاری زوزه کشید (سپانلو، ۱۳۹۳: ۴۰)

یا در این نمونه شعر، جامه را انسان یا موجودی جاندار دانسته که دل و روده اش بیرون ریخته می شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

دل و روده ی جامه ام را بیرون می ریزد(همان: ۴۹)

در این شعر ستارگان را استعاره ای از انسان های بازنشسته دانسته و ایزدان و خدایان باستانی را بارانی خوانده که سرشار از طراوت و شادابی است.

در منظره ی ستارگان بازنشسته

تجسمی از طراوت ایزدان بود(همان: ۵۲)

از سوی دیگر، کشور را انسانی خوانده و برای آن گوش متصور شده که به تعجب و شگفتی نشسته است.

دود از گوش های کشور بیرون می زند(همان: ۴۰)

آوردن صفات انسانی برای پدیده ها و اشیا نیز به نوعی دیگر استعاره ایجاد می کند:(کلمات سمج)

من در این کلمات سمج گمش کرده ام(همان: ۵۶)

و در نمونه شعری دیگر:

یک عمر کشف رمز کردی از دست خط رگبار(همان: ۷)

ج) تشخیص:

یکی از زیباترین گونه های صور خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیا و در عناصر بی جان طبیعت می کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدان ها حرکت می بخشد. بسیاری از شاعران هستند که طبیعت را وصف می کنند اما کمتر کسانی هستند که این وصف را با حیات همراه کنند. مساله شخصیت بخشیدن به اشیا و عناصر چیزی است که نمونه های آن را در شعر بسیاری از شاعران می توان یافت اما توانایی آن ها در این راه یکسان نیست. (کدکنی، ۱۳۴۹: ۱۵۰)

تشخیص نوعی استعاره است. چرا که تشخیص به معنی نسبت دادن صفات و خصوصیات انسان است به غیر انسان. از این تعریف می توان چنین برداشت کرد که در تشخیص چیزی را به انسان تشبیه کرده ایم ولی انسان را نیاورده ایم؛ بلکه خصوصیت یا صفت انسان را آورده ایم که مشخص است این خود نوعی استعاره است. (صمصام، ۱۳۹۵: ۶۶)

سپانلو در شعر زیر نسیم را انسانی تصور کرده که صندل به پا از میان درخت ها قدم بر می دارد و بیرون می آید.

نسیم با صندل هایش از میان درخت ها آمد.(سپانلو، ۱۳۹۳: ۳)

یا در نمونه دیگر به خوش آمدگویی روح اشارتی دارد که شخصیت بخشی دیگری را در خود نمود داده است:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

روح «رویان» به ما خوشامد گفت. (همان: ۳)

در شعر زیر برکه ها را انسان هایی دانسته که نشانی سکونت دارند و بارش نشانی آن ها را از بین برده است. از سوی دیگر با آوردن صفت «بی حواس» بارش را هم انسانی مصور کرده است.

بارش بی حواس نشانی برکه ها را محو کرده. (همان: ۶)

فریاد زدن هم برای تابلو ها ایجاد تشخیص کرده اند:

تمام طول مسیر می شنیدیم که تابلو ها فریاد می زدند. (همان: ۹)

در نمونه شعر زیر، با ایجاد هم صدایی «پ» و «ا»، پاییز را انسانی دانسته که از پلکان کهنه پایین می آید. نگاه استعاری شاعر به پاییز در این شعر، تابلوی نقاشی را به ذهن متبادر می کند.

پس چند بار خواهیم دید پاییز را به وقت پایین آمدن از پلکان کهنه؟ (همان: ۱۱)

یا برای آسمان خراش ها در شعر دیگر شانه و کتف قائل شده است.

از شانه ی آسمان خراش ها می ریخت (همان: ۱۹)

در تصویر دیگری، باران به پاییدن سه گوشه بوسه مشغول است و از لذت برخورد لب ها، قرمز می شود و شرم و حیا از او می بارد.

باران که سه کنج بوسه را می پایید

از لذت هر تماس قرمز می شد (همان: ۱۹)

به نظر می رسد سپانلو به تصاویر شاعرانه با بهره گیری از استعارات به ویژه تشخیص، علاقه ویژه ای دارد.

همان انار جوان که با حس پیشگویی بداند

دانه های سرخش بپاشد در آسمان زمستان

و باران صدایش را بشنود (همان: ۲۳)

در همه‌شهر و اجاقی که می خواند آواز (همان: ۲۳)

درختچه خواب آلود/میوه آوازه خوان (همان: ۲۳)

خورشید ریش آبی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

همبازی خروس است (همان: ۲۸)

یکی یک، مجسمه ها

بیدار می شوند

خمیازه کش

از پایه ها فرود می آیند (همان: ۳۱)

شب چون که پیر شد

وقتی چراغ ها تنها شدند (همان: ۳۱)

بوسه های زنده ی تابستان (همان: ۳۲)

دود از گوش های کشور بیرون می زند (همان: ۴۰)

خروس گفت (همان: ۴۳)

باد زائر اتاق های خالی (همان: ۵۶)

من در این کلمات سمج گمش کرده ام (همان: ۵۶)

دست خط رگبار (همان: ۷)

بنابراین بر اساس بررسی های انجام شده، میزان بسامد «تشخیص» به عنوان «برجستگی معنایی» در اشعار سپانلو بالاست.

د) پارادوکس:

مهم ترین نوع تضاد در ادبیات پارادوکس یا متناقض نما است و آن وقتی است که تضاد منجر به معنای غریب به ظاهر متناقض شود؛ اما این تناقضات با توجیهات عرفانی، مذهبی، ادبی (توسل به مجاز و استعاره و...) قابل توجیه است. شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

سپانلو نیز در برخی از سروده های خود از این صنعت ادبی به زیبایی و در نهایت هنرمندی استفاده کرده است. تناقض به ساخت تصاویر هنری شعری وی یاری رسانده است. در شعر زیر «برف گرم» ایجاد تناقض کرده است. به صورت معمول برای برف واژه «سرد» آورده می شود؛ اما سپانلو با آوردن صفت «گرم» به ساخت پارادوکسی دست زده است:

خانه ها می ریزند در این زمستان بلاتکلیف

بازائر اتاق های خالی

و در بستر بارش خاکستر است و برف گرم (سپانلو، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

یا در نمونه دیگر «جرعه های خشک» تصویر تناقضی دیگر است. جرعه و نوشیدن با هم تناسب ایجاد می کنند؛ اما شاعر با آوردن صفت «خشک» تناقض ایجاد کرده است.

حق من است حالا در خلوت مغازه ی مرحومه جا بگیرم، از لقمه های دورریخته بخورم، از جرعه های خشک بنوشم. (همان: ۱۲)

«رنگ های بی رنگ» هم ترکیب وصفی است که در درون خود پارادوکسی هنری دارد:

هر بوسه که نام برف می گیرد

یادآور گرمای نفس بر لب سرد

نقاشی رنگ های بی رنگ است. (همان: ۲)

۲-۳-۳- هنجار گریزی گویشی :

هرگاه شاعر ساخت واژه ها، ترکیبات و جملات کلمات و... را از گویش یا زبانی غیر از زبان معیار در شعر خود به کار ببرد، از نظر گویشی هنجارگریزی کرده است. این گویش غیر معیار می تواند به کاربرد اسامی خاص مربوط به منطقه جغرافیایی یا فرهنگی محل زندگی شاعر نیز مربوط شود. (حسن زاده، ۱۳۹۴: ۷۰) در مجموعه شعر سپانلو تنها یک شعر دارای هنجار گریزی گویشی (واژگان محاوره ای) بود.

الف) کاربرد واژگان محاوره ای :

یکی دیگر از انواع برجسته سازی شعر سپانلو، آوردن کلمات محاوره ای یا به بیان دیگر، زبان مردم کوچه و بازار به شعر خود است. به کار بردن کلمات محاوره در شعر نوعی هنجار گریزی به شمار می رود که سبب جلب توجه بیشتر مخاطب شده، ارتباط صمیمانه و عمیق تری بین شاعر و مخاطب ایجاد می نماید.

کاربرد واژه های شکسته و عامیانه در برخی از سروده های سپانلو مشهود است؛ البته گفتنی است که گاه معلول واژه های معیار را به صورت عامیانه آورده تا ظاهر محاوره ای شعر خود را شکل دهد.

واسه اون وقتاس

اگر آدم امروز تنهاس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

واسه اون وقت تو یک مدرسه درندشت (سپانلو، ۱۳۹۳: ۲۹)

کلاس جنگی ور می داشت

رفت و سر جاش یه مرد کلاش اومد (همان: ۲۹)

و دیگر نمونه ها:

زبون (۲۹) / اگه (۲۹) // گوشه ش (۲۹) / شاش (۲۹) / یه (۲۹) / کتاب خونده (۲۹) / در می اومد (۲۹) // گفتش (۲۹) //
میشه (۲۹) // درمونده (۲۹) // نسناس (۳۰) / قالت نگذاشتم (۳۰) / مرده شور ببرد (۳۰) / جَلَب (۳۰)

۳- نتیجه بحث و بررسی

بر باور فرمالیست ها، شاعران برای پدید آوردن اثر ادبی خود از روش های گوناگونی استفاده می نمایند که یکی از این روش ها برجسته سازی است . برجسته سازی به معنای به کار گیری زبان به صورت غیر متعارف است که سبب جلب توجه خواننده شود. یکی از انواع برجسته سازی کلامی، هنجار گریزی است که لیچ آن را در هشت دسته واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی طبقه بندی کرده است. در این پژوهش با توجه به سه نوع هنجار گریزی آوایی، معنایی و واژگانی براساس بررسی انجام شده در مجموعه شعر « زمستان بلا تکلیف ما» به نتایج زیر می توان دست یافت:

به نظر می رسد:

- نوع برجسته سازی در اشعار سپانلو بیشتر از نوع هنجار گریزی است .
- کاربرد برجسته سازی معنایی در انواع استعاره، تشخیص، پارادوکس و تشبیه در شعر سپانلو مشاهده شد که هر کدام از بسامد بالایی برخوردار بودند. بیشترین میزان کاربرد مربوط به تشخیص بود.
- واژگان نو و ابداعی به میزان چشمگیری در اشعار سپانلو به کار رفته بود که علاوه بر زیبایی شعر، سبب جلب توجه خواننده و آشنایی زدایی می شد.
- در مجموعه شعر «زمستان بلاتکلیف ما» تنها شعر « به زبون لری عرض می کنم» دارای واژگان محاوره ای بود که تمامی شعر به زبان محاوره سروده شده بود.
- سپانلو در زمره ی شاعرانی بود که آگاهی و سیطره ی بسیاری بر اسطوره و افسانه های ادبیات فارسی داشت و آن را در خلق اثرهای خود به کار می برد. در این مجموعه شعر نیز می توان متوجه کاربرد واژگان کهن در کنار واژگان رایج و نو شد. همین تناقض و تضاد سبب زیبایی بیشتر و جلب توجه مخاطب می شود.
- مورد دیگر بسامد بالای کاربرد واژگان رایج در اشعار سپانلوست؛ به طوری که شعری مشاهده نمی شود که از واژگان رایج بی بهره باشد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع

کتاب ها و مجلات

- __ سپانلو، محمد علی، زمستان بلا تکلیف ما، تهران: چشمه، ۱۳۹۳
- __ شمیسا، سیروس، نگاهی تازه به بدیع، ص ۱۲۱ و ۱۱۹، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱-۱۱۹
- __ -----، سبک شناسی شعر، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۶
- __ -کدکنی، محمد رضا، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۲
- __ -----، رستاخیز کلمات، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴

مقاله ها

- حسن زاده، عبدالله، رضایی، محمد، بررسی انواع هنجار گریزی در جریان شعراستان بر اساس الگوی لیچ، مطالعات زبانی- بلاغی، سال ۶، ش ۱۲، ۱۳۹۴، صص ۷۴-۵۶
- شمس، آزاده، نمی خواستم بورژا شوم، دوره جدید، شماره پیاپی ۱۷، ۱۳۹۱
- __ صمصام، حمید، برجسته سازی در شعر اخوان ثالث، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۶، ۱۳۹۵، صص ۶۶-۶۳
- صهبا، فروغ، برجسته سازی واژه و ترکیب در شعر اخوان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۶-۴۵، ۱۳۸۴، صص ۱۵۰-۱۴۹
- __ مظفری، سولماز، بررسی برجسته سازی واژگانی در غزلیات شهریار، نشریه مطالعات شهریار پژوهی، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۹۹، صص ۶۸-۵۳
- __ نصیری افرایلی، عذرا، برجسته سازی های نحوی و واژگانی حسین منزوی در شعر، فصلنامه زیباشناسی ادبی، سال شانزدهم، ش ۳۵، ۱۳۹۶، صص ۱۶-۲